

A comparative study of citizenship rights in the discourse of Imam Sajjad's treatise on law and the discourse of liberalism

Behzad Moridi¹ **Ghasem Mohseni mari²**

1. Assistant Professor, Department of Linguistics and Foreign Languages, Payam Noor University, Tehran, Iran. behzadmoridi@pnu.ac.ir

2. Post-doctorate student, theology, Qur'anic and Hadith sciences, visiting professor at Islamic Azad University, Islamshahr, Iran (The Corresponding Author). goshadandish@gmail.com

DOI: 10.22034/iscw.2025.2049942.1124

*Original
Research*

Received:

2025-01-05

Accepted:

2025-01-26

Keywords:

Islam,
citizenship
rights, law
treatise,
discourse,
liberal.

Abstract: Approaches to citizenship rights are different in discursive systems. This concept is a new approach to all kinds of human rights in social life to organize the social and institutional interaction of people. Imam Sajjad's treatise on the rights of Imam Sajjad (a.s.) was placed in the discourse of Islam by detailing according to the general narrative based on monotheism, prophethood and resurrection, in some parts by expressing recommendations in the form of commands and prohibitions with a moral and judgmental aspect. In this discourse, the teachings are presented to the believers as a task that they are obliged to do or leave. This concept in the discourse of liberalism with its human-centered basis and the components connected with it presented a special understanding of it and tried to narrate the needs and desires of human beings in the form of citizenship rights in life by drawing articulations in accordance with his vision. The present essay tried to analyze the disparate understandings of Islamic discourse based on Imam Sajjad's (a.s.) treatise on rights and liberalism and explain the different understandings and narratives of each of them with the descriptive method and discourse analysis with the benefit of library documents.



بررسی تطبیقی حقوق شهروندی در گفتمان رساله حقوق امام سجاد

(ع) و گفتمان لیبرالیسم

قاسم محسنی مری^۲

بهزاد مریدی^۱

۱. استادیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

behzadmoridi@pnu.ac.ir

۲. دانش‌آموخته پسادکتری، الهیات، علوم قرآن و حدیث، استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

goshadandish@gmail.com

DOI: 10.22034/iscw.2025.2049942.1124

چکیده: رهیافت‌ها به حقوق شهروندی در نظام‌های گفتمانی متفاوت است. این مفهوم به‌عنوان رویکردی نوین به انواع حقوق آدمیان در زیست اجتماعی برای سامان بخشی همکنشی اجتماعی و نهادی افراد است. رساله حقوق امام سجاد (ع) با قرار گرفتن در گفتمان دین اسلام با مفصل‌بندی بر طبق کلان روایت مبتنی بر توحید، نبوت و معاد در فرازهایی با بیان جمله‌های توصیه‌ای در قالب امرونهی با سویه حکمی و اخلاقی به آن پرداخت. در این گفتمان آموزه‌ها به گونه امر تکلیفی به مؤمنان بازنمایی شده که موظف به انجام یا ترک آن هستند. این مفهوم در گفتمان لیبرالیسم با بن‌مایه انسان محورانه و مؤلفه‌های در پیوند با آن برداشت ویژه‌ای از آن ارائه کرد و تلاش کرد با ترسیم مفصل‌بندی‌های منطبق با بینش خود به روایتگری از نیازها و خواسته‌های انسان در قالب حقوق شهروندی در زیست اجتماعی نماید. جستار حاضر با شیوه توصیفی و تحلیل گفتمانی با بهره‌مندی از اسناد کتابخانه‌ای در پی پاسخ به پرسش ناهمسانی رهیافت‌ها به حقوق و حقوق شهروندی در دو گفتمان باز گفته است. از یافته‌های این پژوهش این است که نوع تلقی و برداشت‌های ناهمسان از حقوق شهروندی در رساله حقوق امام سجاد (ع) و لیبرالیسم به دلیل قرار گرفتن هریک در گفتمان‌های متفاوت است.

صص:

۲۶۵-۲۸۷

مقاله

علمی پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳/۱۰/۱۶

پذیرش:

۱۴۰۳/۱۱/۰۷

کلید واژه‌ها: اسلام،

حقوق شهروندی،

رساله حقوق،

گفتمان دین اسلام،

لیبرالیسم



۱. مقدمه

فزونی و پراکندگی جمعیت، ناهمسانی‌های جنسیتی، قومیتی، نژادی و تنوع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نیازمند به سامان بخشی همکنشی‌ها و پیوند افراد، گروه‌ها و نهادها است. قرار گرفتن افراد در هریک از عناصر بازگفته، وابستگی، تعارض منافع و نوع تجربه پذیری ویژه‌ای را ایجاد کرده که زمینه ناهنجاری‌های همانند نابرابری، ایجاد طبقات اجتماعی و سایر امتیازات اجتماعی را فراهم ساخته است. در این جهت تعیین بخشی قواعد مبتنی بر حقوق شهروندی، شیو رویارویی و سامان دادن به همکنشی افراد در زیست اجتماعی ضرورت یافته است. ساماندهی و تنظیم مناسبات اجتماعی شیوه حقوقی و اخلاقی ویژه‌ای را ایجاد کرده تا ناهنجاری‌های برآمده از تمایز افراد در زیست اجتماعی، شیوه زیست‌ها و طرز اندیشه‌های دیگر اجازه تحقق دهد. مفهوم شهروندی امری نوین بوده که در دوران پسااست برای تنظیم همکنشی و پیوند میان افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی در قالب حقوق، تعهد و مسئولیت‌ها به کاررفته است (یزدانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۴۲؛ حاجی پور، ۱۳۸۹: ۲۰-۲۳). بر این اساس حقوق شهروندی به حقوق دوسویه مردم در برابر دولت و دولت در برابر مردم که با وضع قانون و بهره‌مندی از ابزار، امکانات و اهرم قدرتی که در اختیار دارد، وظیفه تضمین آن‌ها را بر عهده دارد، گفته شد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۱۳/ ۱۷۳۰). حقوق شهروندی در ساحت‌های متفاوت مدنی، سیاسی و اجتماعی مطرح شده است. این حقوق در ساحت مدنی به آزادی رفتاری، آزادی محل و مکان زیست، آزادی اندیشه و بیان و باور، آموزش و مالکیت پرداخته است. حقوق شهروندی در گستره مشارکت سیاسی همانند انتخاب کردن، انتخاب شدن، مسئولیت‌پذیری سیاسی و مانند آن استعمال شد. این حقوق در ابعاد اجتماعی در مؤلفه‌های بهره‌مندی از آموزش، تأمین مسکن، مشاغل و امور قضایی مطرح شده است. در این بینش شهروندان با انواع تعاملات و کنشگری‌های اجتماعی در گستره فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مسئولیت دارند. نظام اجتماع دینی با بن‌مایه امت‌سازی به‌جای ملت‌سازی با رهیافت باوری، تکالیف و وظایف افراد نسبت به خدا، خود، دیگران و طبیعت را تبیین کرده است. در این گستره پیوند میان افراد بر پایه قانون الهی بوده (مائده/

۴۸) و تمامی کنش‌های اندیشه‌ای و رفتاری دین‌داران و مؤمنین با هسته مرکزی این گفتمان یعنی توحید در پی تحقق جامعه توحیدی برای رساندن دین‌داران به سعادت و کمال مادی و معنوی با پرورش افراد جامعه است. چنین نظامی با ارائه قواعد زیستی در کنشگری اجتماعی پیوند میان افراد را بر پایه مؤلفه‌های تقوی (حجرات/ ۱۳)، کرامت (اسراء/ ۷۰)، نوع دوستی (نحل/ ۹۰)، رواداری (توبه/ ۶۱)، آزادی (انسان/ ۳) و عدالت (حدید/ ۱۳) مفصل‌بندی کرد.

با توجه به گفتمان‌های متفاوت سنت و مدرن برداشت‌ها از مفهوم حقوق شهروندی ناهمسان است. در نظام گفتمان دین اسلام، با کلان روایت مبتنی بر هسته مرکزی آن که توحید است، گزاره‌ها در قالب توصیفی و توصیه‌ای بر پایه آن تنظیم و همکنشی‌ها، روابط اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اخلاقی با آهنگ دین توزین گشته است. در این نظام افزون بر دانش‌ها و تجربه‌های انسانی، فهم‌ها از گزاره‌های دینی در تمامی ساحات و زوایای روابط اجتماعی جریان یافته است. بر این اساس رساله حقوق امام سجاد (ع) در گستره امری تکلیفی با بیان گزاره‌های ارزشی در گستره احکام و اخلاق به تبیین حقوق شهروندی پرداخته است. گزاره بیانی در رساله حقوق بستر را برای کنشگران دینی جهت بروز رفتارهای متناسب با احکام و اخلاق دینی فراهم ساخته است. البته روحیه اطاعت‌پذیری و وفاداری در مشارکت‌های اجتماعی به‌عنوان امری تکلیفی برای مؤمنان امری ضروری است. در نظام گفتمان لیبرالیسم با مفصل‌بندی مبتنی بر کلان روایت انسان‌محوری، فردگرایی، مردم‌سالاری و رواداری برداشت متفاوتی از حقوق شهروندی ارائه کرده و بر پایه آن ساختار حقوقی را تنظیم نموده و روابط اجتماعی را سامان داده است. بر این اساس پرسش‌های این جستار چنین صورت‌بندی شد: الف - حقوق شهروندی در گفتمان اسلام مبتنی بر رساله حقوق امام سجاد (ع) و گفتمان لیبرالیسم چیست؟

ب- کارکرد و مؤلفه‌های حقوق شهروندی در دو گفتمان چیست؟

پژوهش حاضر بر پایه اسناد کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی و تحلیلی حقوق شهروندی را در اندیشه امام سجاد (ع) و گفتمان لیبرالیسم مطرح کرده است. طراحی الگوی شهروند در دو گفتمان برآمده از عناصر نشانه‌ای، فرازبانی و بافتار

ویژه‌های که در آن واقع شده‌اند می‌باشد. حقوق شهروندی در رهیافت دینی دارای منشأ الهی و قدسی است و این حقوق در رویکرد لیبرالیسم با روایتگری انسان به حقوق انسان از آن حیث که انسان می‌باشد نگریده است.

۲. پیشینه پژوهش

مقاله «طراحی الگوی فرهنگ شهروندی اسلامی - ایرانی مبتنی بر روش فراترکیب و راهکارهایی برای توسعه آن» از خان محمدی و دیگران (۱۳۹۹)، ابعاد حقوقی شهروندی، وظایف و ارزش‌های اخلاقی، دینی و انسانی در پیوند میان افراد جامعه را بررسی کرد. نوشته «حقوق شهروندی اقلیت‌های دینی در قرآن و رساله حقوق امام سجاد (ع)» از ابراهیمی و دیگران (۱۳۹۸) به بررسی حقوق و تکالیف اقلیت‌های دینی در ایران با توجه به رساله حقوق امام سجاد (ع) پرداخت. پژوهش «ارائه الگویی برای تربیت شهروند تراز جامعه اسلامی بر اساس رهیافت‌هایی از رساله الحقوق امام سجاد (ع)» از صالحی و دیگران (۱۳۹۸)، به مؤلفه‌های پیوند میان شهروندان بر پایه خدامحوری و تکالیف تعیینی خداوند در این گستره با عناصر رواداری، عدالت، مسئولیت‌پذیری و قانونمندی و تحلیل رساله حقوق امام سجاد (ع) جهت ارائه الگویی برای تربیت شهروند تراز جامعه اسلامی آن اشاره شد. در این جهت نوشتاری با عنوان حقوق شهروندی در گفتمان دین اسلام مبتنی بر رساله حقوق امام سجاد (ع) و گفتمان لیبرالیسم با رهیافت گفتمانی انجام نشد.

۳. ادبیات مفهومی و نظری

شناخت محتوای متن پژوهشی مرتبط با آشنایی مفاهیم کاربردی در درون اثر پژوهشی می‌باشد. در این جهت مفهوم گفتمان و برخی از مفاهیم همانند مفهوم شهروندی و حقوق مبتنی بر آن در نظام دینی با روایتگری امام سجاد (ع) و نظام لیبرال با روایت‌گری انسان مدرن بر پایه برداشت‌های متفاوت بررسی می‌گردد.

۳-۱. مفهوم شناسی گفتمان

گفتمان^۱ پدیده زبان‌شناختی^۲ و در کاربر زبان فراتر از سطح جمله است^۳. این مفهوم در گستره کارکرد اجتماعی به‌گونه‌ای از رفتار اجتماعی مبتنی بر دانش، هویت‌ها، روابط اجتماعی و مناسباتی که قدرت را بازتولید کرده اشاره دارد که بر پایه آن سایر ساختارهای اجتماعی تکون می‌یابند (یورگنسن، ۱۳۸۹، ۱۲۸). در ادامه، تحلیل گفتمان یا «سخن کاوی»، «تحلیل کلام» یا «تحلیل گفتار» (فرکلاف، ۱۳۷۹، ۸)، نظریه‌ای که در پی دریافت جهان‌بینی و ایدئولوژی در درون متون است تا ناگفته‌های گوینده و نویسنده و اهداف آنان آشکار گردد (ون دایک، ۱۳۸۳: ۴). این نظریه که مبتنی بر دیدگاه فوکو^۴ است، افزون بر نشانه‌های زبان شناسانه، به مؤلفه‌های فرازبانی و موقعیت‌های تولید متن و همه حوزه اجتماعی که بر تولید حقیقت در سوزده تحمیل می‌کند را فرا می‌گیرد. بر این اساس هرکدام از متون و مؤلفه‌های در پیوند آن در نظام گفتمانی ویژه و با ساختاری متناسب با بافت متنی و موقعیتی، فضای سیاسی حاکم بر جامعه و ایدئولوژی ایجاد شدند. ایدئولوژی، مجموعه ارزش‌ها، نظام باورها و اموری که افراد یا جامعه با ارجاع به آن‌ها جهان را درک کرده و سپس در قالب زبان بازتاب می‌یابد و زبان کارکردی تعیین‌کننده در تثبیت، بازتولید و تفسیر ایدئولوژی دارد (آقاگل زاده، ۱۳۸۶، ۲۴). دریافت چگونگی معنای مفاهیم یادگشته در رساله حقوق امام سجاد (ع) نیز همبسته به شناخت دال مرکزی این گفتمان که مبتنی بر توحید، نبوت و معاد و متناسب با روایتگری خداوند از هستی و انسان است. بدین ترتیب عناصر مطرح‌شده در گفتمان لیبرالیسم همانند حقوق شهروندی با روایتگری انسان در دوران پسا سنت

1 . Discourse

۲. مبانی نظری گفتمان برگرفته از زبان‌شناس ساخت‌گرای سویسی دوسوسور / Ferdinand de saussure است.

۳. کسانی بسان ارنستولاکلو/Ernesto Laclau، چانتال موفه / Chantal Mouffe به توسعه مفهومی آن پرداختند.

۴. میشل فوکو / Paul Michel Foucault (۱۹۸۴-۱۹۲۶)، اندیشمند فرانسوی، گفتمان را در معنای نوین به کاربرد.

و در پیوند بینامتنی با واقعیات اجتماعی به مثابه متن و همساز با ایدئولوژی ویژه‌اش تکون یافت.

۳-۲. حقوق شهروندی^۱ و تکلیف

حق^۲ در این جستار قدرت یا امتیازی که فرد یا افراد انسانی به‌عنوان شهروندان در زیست اجتماعی سزاوار بهره‌مندی از آن هستند و حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت از آن حمایت می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۳۷۰) و افراد مکلف به رعایت آن هستند (ثابت سعیدی، ۱۳۸۸: ۱). همانند حق طبیعی حیات یا امتیازاتی که بر اساس قانون یا عرف معین می‌شود (آقایی، ۱۳۷۸، ۷۴۴-۷۴۵). حقوق پیامدی از کنشگری انسان در زیست اجتماعی نوین که در پی مناسباتش با دیگران امتیازاتی را حاصل می‌کند یا به مجموعه قواعد حاکم بر زیست اجتماعی برای سامان بخشی کنشگری فرد در اجتماع و نهادها است که در دوره اخیر به آن علم حقوق گفته می‌شود (آقایی، ۱: ۷۸، ۷۶۵). بر اساس این قواعد اختیارات و آزادی‌های هرکس و تکالیفی که در برابر دیگران دارد تعیین می‌گردد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ۱۲-۱۳). مفهوم شهروندی از مفاهیم نوین در گستره علوم سیاسی و اجتماعی است (Turner, 2006, p1) که ناظر به همکنشی میان افراد یک جامعه و وظیفه‌ای که هریک از افراد جامعه نسبت به هم دارند (قاسم پور خوشرودی، ۱۳۹۴، ۲۷۴). در این جهت شهروند افزون بر مقیم بودن در ساماندهی، تدارک، نظم دهی قواعد زندگی و تدوین قانون حاکم بر جامعه مشارکت می‌کنند (نوابخش، ۱۳۸۵، ۱۶-۱۷). شهروندان هم افرادی هستند که در نسبت با دولت، از جهتی بهره‌مند از حقوق سیاسی و مدنی بوده و از جهتی در برابر دولت دارای وظایف و تکالیفی هستند. بر این اساس شهروندان در پیوند عناصر دوگانه حقوق و تکالیف قرار دارند (آشوری، ۱۳۷۳، ۲۲۱-۲۲۲). حقوق شهروندی مبتنی بر قانون اساسی و توافق اجتماعی است که افراد بر اساس آن به امتیازاتی می‌رسند (آفنداک، ۱۳۸۵، ۵۱). تکلیف در معنای ایجاب و الزام یا ترک امری که با رنج و دشواری است (انیس و

1. Right Citizenship
2. right

دیگران، ۱۳۷۲: ۱ و ۲/۷۹۵). مراد از تکلیف^۱ شامل قواعد الزامی و حکمی که در متون دینی به گونه وجوب، حرام، استحباب و کراهت روایت شده است. این مفهوم در گستره فقه از دایره وسیع‌تری برخوردار بوده و دربردارنده وظایف آدمی نسبت به خدا می‌شود تکلیف بنده به خدا مستلزم هیچ حقی را برای آدمی نسبت به خدا ایجاد نمی‌کند (مصباح، ۱۳۸۶، ۱/۱۱۴-۱۱۵). با توجه به تحلیل گفتمانی معنای نشانه‌ها یا دال همانند حق نه با ارجاع به جهان مصداق‌ها، بلکه به بر اساس پیوندی که میان خود نشانه‌ها در درون نظام نشانه‌شناختی زبان برقرار است حاصل می‌گردد؛ یعنی مفهوم فقه در برابر حقوق قابل درک است. در این جهت حقوق امری با روایتگری انسان در دوران مدرن بوده و فقه و احکام مبتنی بر آموزه‌های الهی است و تکلیف در دایره فراتر از حقوق (نسبت به خدا، خود، دیگران و طبیعت) است. در ادامه باید افزود در گفتمان دین اسلام، برای حکمرانی اصولی را برای سامان‌بخشی به تکالیف الهی در حوزه اجتماعی و نوع ارتباطش با دیگران طراحی گشته که بر پایه احسان و نیکوکاری، اصل کرامت، وفای به عهد و پیمان، عدالت و انصاف و آزادی عقیده بر مبنای گفتمان دینی استوار است.

۴. رساله حقوق امام سجاد (ع)

رساله امام (ع) در بافتار ویژه و شرایط سخت که با خشونت‌ورزی نهاد قدرت برای تولید وحشت برای بازگشت به سنت پیشینی و شیوع بدعت همراه بود، تکون یافت. این رساله در چنین موقعیت زیسته به گونه وعظ و ارشاد در قالب دعا از جانب امام (ع) روایت گردید. از جهت سندی رساله حقوق در کتاب‌های همانند الخصال (صدوق، ۱۳۶۲، ۵۶۴ - ۵۷۱)، الامالی (صدوق، ۱۴۰۰، ۳۶۸ - ۳۷۵)، تحف‌العقول (حرّانی، ۱۴۰۴، ۲۵۵ - ۲۷۲) و بحارالانوار (مجلسی، ۱۳۶۰: ج ۷۱، ۲ - ۹ و ۱۰ - ۲۱) قابل پی‌جویی است. این متن با سویه اخلاقی و حکمی به روایت ابوحمزه ثمالی حاوی پنجاه‌ویک وظیفه یا تکلیف به ساحت مختلف زندگی آدمی

در گستره حق‌الله^۱ (رابطه انسان با خدا)، حق‌النفس^۲ (رابطه انسان با خودش)، حق‌الناس (ارتباط انسان و دیگران) آمده است (رساله حقوق امام سجاد (ع)، ۱۳۸۶). البته برای دریافت، فهم رأی و نظر گفته یا نوشتار، رساله یا مقاله در باب یک موضوع، دریافت مفهوم و معنای آن موضوع در خود متن لازم است؛ بنابراین، برای دریافت دیدگاه دین از مفهوم حقوق باید به متون دینی رجوع کرد. در این جهت درک معنایی این مفهوم تنها از طریق تعریف این واژه در نوشتار کافی نیست. بر این اساس حقوق مطرح‌شده در این رساله، دریافت مفهومی همسان با تعارف حقوق در جهان امروز نیست بلکه امام (ع) به بیان وظیفه مؤمنین نسبت خدا، خود و دیگران پرداخت که مؤمنین مکلف به انجام یا ترک آن هستند که بیشتر دارای سویه اخلاق دینی است.

۵. وظایف شهروندان در رساله حقوق

حقوق شهروندی مطرح‌شده در رساله حقوق آن چیزی است که به امر اجتماعی اشاره دارد. این حقوق را می‌توان در رساله حقوق در حقوق فرمانروا، رعیت، معلم، دانش‌آموز، برده، برده آزاد شده، همسایه، مؤذن، هم‌نشین، شریک، مسئول، هم‌کیش و اهل ذمه پی‌جویی کرد. در این میان برای جلوگیری از اطاله کلام تنها به حقوق فرمانروا، رعیت و ناهم‌کیشان در قالب اهل ذمه برای کنشگری اجتماعی در گستره حقوق شهروندی موردبررسی قرار می‌گیرد. حقوقی که خداوند مؤمنان را به رعایت و انجام آن به‌عنوان حق‌الناس واداشته است.

۱. «و اما حق بزرگ‌تر خداوند آن است که او را بیرستی و چیزی را شریک او قرار ندهی و اگر از روی اخلاص چنین کنی، خدا بر خود مقرر کرده است که کار دنیا و آخرت تو را به عهده گیرد و آنچه از آن بخواهی، برایت نگه دارد» (امام سجاد (ع)، ۱۳۸۶: ۲۵).

۲. اما حق نفست بر تو آن است که به تمام و کمال آن را در راه اطاعت خدا قرار دهی. پس ادا نمایی به زبان و گوش و چشم و دست‌وپا و شکم و دامنست حقوقشان را. در ادای حق آن‌ها از خداوند کمک بجویی (امام سجاد (ع)، ۱۳۸۶: ۳۳).

۵-۱. حقوق فرمانروا یا رهبر سیاسی

از جمله حقوق شهروندی شیوه روی آوری دوسویه نهاد قدرت به مردم و مردم به نهاد قدرت است. این روی آوری در رساله حقوق با نوعی تساهل و تسامح به حکمرانی بیان شده است. حقوق فرمانروا یا رهبران سیاسی از نگاه امام (ع) چنین روایت شد. «فَأَمَّا حَقُّ سَائِسِكَ بِالسُّلْطَانِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّكَ جُعِلْتَ لَهُ فِئْتَهُ وَ أَنَّهُ مُبْتَلَىٰ فِيكَ بِمَا جَعَلَهُ اللَّهُ لَهُ عَلَيْكَ مِنَ السُّلْطَانِ وَ أَنْ تُخْلِصَ لَهُ فِي النَّصِيحَةِ وَ أَنْ لَا تُمَاجِحَهُ وَ قَدْ بُسِطَتْ يَدُهُ عَلَيْكَ فَتَكُونُ سَبَبَ هَلَاكِ نَفْسِكَ وَ هَلَاكِهِ وَ تَذَلُّلٍ وَ تَلَطُّفٍ لِإِعْطَائِهِ مِنَ الرِّضَا مَا يَكْفُهُ عَنْكَ وَ لَا يَصِرُّ بِدِينِكَ وَ تَسْتَعِينُ عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ بِاللَّهِ وَ لَا تُعَازِهِ وَ لَا تُعَانِدِهِ فَإِنَّكَ إِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ عَقَقْتَهُ وَ عَقَقْتَ نَفْسَكَ فَعَرَضْتَهَا لِمَكْرُوهِهِ وَ عَرَضْتَهُ لِلْهَلَكَةِ فِيكَ وَ كُنْتَ خَلِيقًا أَنْ تَكُونَ مُعِينًا لَهُ عَلَىٰ نَفْسِكَ وَ شَرِيكًا لَهُ فِيمَا أَتَىٰ إِلَيْكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ و اما حق پیشوای حکومت بر تو این است که بدانی تو برای او وسیله آزمایش شده‌ای و او هم به تو گرفتار است به خاطر تسلطی که خدایش بر تو داده و باید خیرخواه او باشی و با او در نیفتی؛ زیرا که بر تو نفوذ دارد و (ممکن است) سبب هلاک خود و او گردی و خوار شوی؛ و برای او فروتنی و نرمش کن تا آنجا که رضایت او را به اندازه‌ای که زیانش به تو نرسد به دست آری و زیانش به دین تو نرسد و در این باره از خدا یاری جویی و با او مبارزه و عناد نکنی؛ زیرا اگر چنین کردی او را و خود را ناسپاس کرده‌ای و خود را به بدی کشانده‌ای و او را هم از جهت خود به هلاکت رسانده‌ای و تو سزاواری که کمک او شمرده شوی بر ضرر خود و شریک او باشی در هر چه با تو کند حول و قوه‌ای جز از ناحیه خدا نیست» (رساله حقوق، فقره ۱۵، ابن شعبه حرانی، ۱۴۱۴: ۲۶۰).

بر اساس این بخش از رساله که بیانگر حقوق اجتماعی است، مردم نسبت به رهبر سیاسی وظایفی دارند که لازم است به‌عنوان تکلیف در آن نگریسته و رعایت نمایند. البته امام (ع) به بخشی از شاخصه‌های رهبر دینی در این فراز اشاره کرد. از جمله این که چیرگی و سلطه حاکمان در جامعه دینی از سوی خدا دانسته شد و همکنشی جامعه با نهاد قدرت سیاسی وسیله آزمون الهی تلقی شد. خیرخواهی، نرمش، عدم درگیری با حاکم سیاسی از خواسته‌های امام (ع) است تا با چنین کنشگری آسیبی به شهروندان نرسد؛ زیرا کنشگری ناهمسویانه با نهاد قدرت

سیاسی زمینه هلاکت افراد را فراهم می‌سازد و از جامعه اسلامی می‌خواهد که منش روادارانه‌ای با نظام سیاسی در پیش بگیرند. در تحلیل این نکات حقوقی باید افزود که اگر نظریه سیاسی امام (ع) پاسخی به بحران‌ها و مشکلات سیاسی و اجتماعی دوره‌اش بوده تحلیل‌ها درباره آن ناهمسان است. در این جهت با لحاظ دوران زیسته امام سجاد (ع) و وجود حاکمانی همانند یزید بن معاویه (۶۱-۶۴)، عبدالله بن زبیر (۶۱-۷۳)، معاویه بن یزید (۶۴)، مروان بن حوم (۶۵)، عبدالملک بن مروان (۶۵-۸۶) و ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۶) شیوه راهبردی امام (ع) هم ویژه بود. حاکمان این دوره شیوه حکمرانی استبدادی برای تحصیل امور دنیایی و منش دنیاگرایی و فاصله گرفتن از آموزه‌های دینی در پیش گرفتند. اینان برای تحقق خواسته‌های خود از فشار، اختناق و خشونت نسبت به ناهمسویان بهره جستند و از رفتار ناهمسان با آموزه‌های دین هم ابایی نداشتند (پیشوایی، ۱۳۸۵: ۲۴۰-۲۱۴). به نظر می‌رسد این بخش از رساله حقوق به شیوه روی‌آوری امام (ع) به کنشگری نهاد قدرت به گونه تقیه‌ای اشاره دارد (مسعودی، ۱۳۷۳: ۱۶۷-۱۶۸). در گامی شاید بتوان رویکردها دیگر روایت‌های همسو با چنین روایتی را تقیه‌ای خواند. همانند روایتی از روی‌آوری به حاکمان عادل و غیر آن به گونه پذیرشی در روایتی از امام کاظم (ع) قابل پی‌جویی است: «يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ لَا تَذَلُّوا رِقَابَكُمْ بِتَرْكِ طَاعَةِ سُلْطَانِكُمْ فَإِنْ كَانَ عَادِلًا فَاسْأَلُوا اللَّهَ إِبْتِغَاءً وَ إِنْ كَانَ جَائِرًا فَاسْأَلُوا اللَّهَ إِصْلَاحَهُ فَإِنَّ صَلَاحَكُمْ فِي صَلَاحِ سُلْطَانِكُمْ وَ إِنْ السُّلْطَانَ الْعَادِلَ بِمَنْزِلِهِ الْوَالِدِ الرَّحِيمِ فَأَحِبُّوا لَهُ مَا تُحِبُّونَ لِأَنْفُسِكُمْ وَ اكْرَهُوا لَهُ مَا تَكْرَهُونَ لِأَنْفُسِكُمْ. ای گروه شیعه خود را خوار نکنید به ترک طاعت سلطان خود، اگر عادل است از خدا بقای او را خواهید و اگر ستمکار است از خدا اصلاح او را خواهید، صلاح شما در صلاح سلطان شما است و سلطان عادل چون پدر مهربان است برای او پس دوست بدارید آنچه برای خود دوست دارید و برای او نخواهید آنچه برای خود نمی‌خواهید» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۳۳۸).

چنین برداشت تقیه‌ای به دلیل سویه دیگر از روی‌آوری به حکومت در اندیشه دینی برآمده از متون دینی است. «پروردگارا! بر پاکان اهل بیت محمد (ص) درود بفرست. کسانی را که برای حکومت برگزیدی و حافظان دین خود گردانیدی و

خلفای خود در روی زمین و حجت خود بر بندگانت قرار دادی، آنان را با اراده خود از هر پلیدی پاک ساختی.» (صحیفه سجادیه، دعای ۴۷، فقره ۵۶) و در ادامه آمده است: «خداوندا! مقام خلافت برای خلفای توست، تو آن مقام را به آن‌ها اختصاص دادی ولی دیگران از آنان گرفتند... ستمکاران بر برگزیدگان تو ستم کردند و حقشان بر باد رفت. بر دشمنان آن‌ها از اولین و آخرینشان و کسانی که بر تجاوز دشمنانشان رضایت دادند و هم‌چنین بر پیروان و تابعین آن‌ها لعنت بفرست» (همان، دعای ۴۸، فقره، ۹-۱۰). در این فراز حکمرانی مقبول، دارای ویژگی‌هایست. از عمده شاخصه‌های آن منصوب از جانب خدا و حجت الهی، معصومیت و حافظ دین الهی است. بر پایه محتوای این روایت روی‌آوری مؤمنان به رهبری با چنین ویژگی‌هایی ضرورت دارد. دشمنان این قسم از حکمرانی کسانی دانسته شدند که حق حکومت را از برگزیدگان با ستمکاری گرفتند، امام (ع) آنان را کرد.

افزون بر آن شیوه خاصی از مردم‌سالاری در گفتمان دینی که به معنای مشارکت مردم در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در چارچوب احکام الهی و قوانین شرعی است، در متون دیگر دینی قابل پی‌جویی است (حدید، ۲۵؛ نهج‌البلاغه، خطبه، ۴۰). در این روایتگری تأسیس حکومت دینی ضروری بوده و برپایی آن هم منوط به پذیرش قانون است و حاکم اسلامی از جانب مردم اقدام به برپایی حکومت کرد (همان، خطبه، ۴۰، ۳، ۵۳، ۱۳۷، ۱۹۶). در این جهت همراهی و پشتیبانی حاکم اسلامی در تحقق حکومت دینی مورد تأکید است. «وَأَلْزَمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ، فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ [عَلَى] مَعَ الْجَمَاعَةِ، همراه جماعت بزرگ‌تر باشید، زیرا دست خدا با جماعت است» (خطبه، ۱۲۷، ۲۳۵). سر برتافتن از رأی اکثریت را ناروا دانسته و آن را عامل بر هم زدن امنیت و آرامش جامعه دانسته شد (همان، خطبه، ۱۵۱) احترام به آراء و انتخاب اکثریت هرچند ممکن است بهترین شیوه نباشد اما به دلیل مصالح اسلام لازم است. «فَأَمْسَكْتُ [بِيدِي] يَدِي حَتَّى رَأَيْتُ رَاجِعَةَ النَّاسِ قَدْ رَجَعَتْ عَنِ الْإِسْلَامِ يَدْعُونَ إِلَيَّ مَحْقٍ دِينَ مُحَمَّدٍ (ص)؛ فَخَشِيتُ إِنْ لَمْ أَنْصُرِ الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ، من چندی از بیعت دست بازداشتم تا آن‌که دیدم گروهی از مردم از اسلام برمی‌گردند و می‌خواهند دین محمد (ص) را از بن برفکنند.

ترسیدم که اگر اسلام و مسلمانان را یاری ندهم در دین رخنه‌ای یا ویرانی‌ای خواهیم دید.» (همان، نامه، ۶۲). در نگره این متون، نظام سیاسی امانت مردم تلقی گشته (نامه، ۵، ۴۱) و برای سامان بخشی امور عمومی و جلوگیری از ستم ایجاد شد (همان، خطبه، ۷۳، ۱۳۶)، در این جهت همراهی و مشاوره دادن به حاکم اسلامی در پیشرفت امور لازم می‌باشد (همان، خطبه، ۱۴۶، ۱۳۴، ۷۳). به هر روی اگر حکمرانی اسلامی حقوق، نیازها و منافع فرد و آزادی‌های فردی در جامعه تأمین نماید زمینه را برای تأمین منافع و مصالح اجتماعی فراهم می‌سازد.

بر اساس این گفته‌ها، روایت امام سجاد (ع) در رساله حقوق با ارجاع به دیگر متون دینی که به حکمرانی دینی از جهت هستی شناختی و کارکردی اشاره داشتند، رساله امام (ع) به واقع شدن در درون نظام حکمرانی با شرایط ویژه اشاره کرد. این نظام حکمرانی با توجه شرایط صدوری روایت حاکی از عناصر فرازبانی، موقعیت استبدادی و اختناق است که امام (ع) الگوی حقوقی را برای روی‌آوری مؤمنان به آن مطرح کرد. این فراز از بیان امام (ع) حاکی از احکام و تکالیف به مؤمنان در گستره اخلاق دینی است. بر این اساس مؤمنان در زیست اخلاقی موظف به رعایت گزاره‌های اخلاق دینی هستند.

۵-۲. حقوق رعیت

بخشی دیگر از حقوق شهروندی چگونگی روی‌آوری نهاد قدرت سیاسی به شهروندان است. با توجه به صدور این روایت در دوران سنت، امام (ع) از تعبیر رعیت بهره جست. «وَأَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالسُّلْطَانِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُمْ صَاوِرُوا رَعِيَّتَكَ لِضَعْفِهِمْ وَ قُوَّتِكَ فَيَجِبُ أَنْ تَعْدِلَ فِيهِمْ وَ تَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ وَ تَغْفِرَ لَهُمْ جَهْلَهُمْ وَ لَا تَعَاوِجَهُمْ بِالْعُقُوبَةِ وَ تَشْكُرَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى مَا آتَاكَ مِنَ الْقُوَّةِ عَلَيْهِمْ؛ و اما حق زیردستان تو در حکومت این است که بدانی آنان به جهت ناتوانی و تو به جهت نیرومندی، زیردست تو قرار گرفته‌اند. پس بر تو واجب است که در بین آن‌ها به عدالت رفتار کنی و برای ایشان مانند پدری مهربان باشی و کارهایی را که از روی نادانی انجام می‌دهند، ببخشی و نسبت به تنبیه ایشان زود اقدام نکنی و خدا را به خاطر این توانمندی که به تو ارزانی داشته سپاسگزار باشی» (رساله حقوق، فقره ۱۷).

بهره‌مندی از موقعیت‌های مختلف فردی و اجتماعی در گفتمان دینی نعمت و رحمتی از جانب خدا دانسته شد و بر بهره‌مندان واجب است شکر نعمت را به‌جا آورند. در این جهت حکمرانی نعمتی از جانب خداست و حاکم در نسبت به زیردستان خود از باب شکر نعمت وظایف روادارانه‌ای دارند که امام (ع) به آن اشاره کرد. نکات همسو و پیوستار با چنین شیوه روادارانه در هنگامه قدرت و توانایی در متون دینی هم قابل پی‌جویی است. «أُولَى النَّاسِ بِالْعَفْوِ، أَقْدَرُهُمْ عَلَى الْعُقُوبَةِ». سزاوارترین مردم به عفو تواناترین آن‌هاست به عقوبت» (نهج‌البلاغه، حکمت، ۴۹، ۱۱). در گامی بهره‌مندی از چنین سیاست‌ورزی مورد تأکید واقع گردید. «أَلَّةُ الرِّيَاسَةِ، سَعَةُ الصِّدْرِ. اِزَارُ سُرُورِي، شَكِيبَايِي دَر تَحْمَلِ نَامِرَادِي هَاسْت» (حکمت، ۱۶۷). لذا برای پرهیز از خشونت‌های اجتماعی و ثبات سیاسی شیوه مدارانه پیشنهاد شد. «فَاصْبِرُوا حَتَّى يَهْدَأَ النَّاسُ وَ تَقَعَ الْقُلُوبُ مَوَاقِعَهَا وَ تُوْخَذَ الْحُقُوقُ مُسْمَحَةً، پَس شَكِيبَايِي وَرَزِيد تَا مَرْدَم آرَام گِیرند و دَل‌ها بر جَای خود قرار گیرد و حَقُوق از دِست‌رفته به‌آسانی گرفته شود.» (خطبه، ۱۶۷، حکمت، ۱۸) خوانده شد. البته ساختار قدرت بر قانون‌پذیری، نفی‌تفرد، تمرکز و توزیع آن میان مردم و وفاداری به تعهدات حقوقی مردم توصیه شد (خطبه، ۲۰۷). توجه به نیازهای روانی (نامه، ۱۸، ۵۳) و همدردی و همرنگی در زندگی اجتماعی با توده مردم (خطبه، ۲۰۷) و تکریم عرف، عادات، آداب معقول فرهنگی و اجتماعی از دیگر توصیه‌های متون دینی به نهاد قدرت در روی‌آوری به افراد در جامعه است (نامه، ۵۳، حکمت، ۴۰۱).

۵-۳. حق ناهم‌کیشان یا اهل ذمه

از جمله شهروندان یک جامعه ناهم‌کیشان هستند که حقوق آنان در رساله حقوق امام سجاد (ع) آمد. تعبیر امام سجاد (ع) از ناهم‌کیشان، اهل ذمه هستند. اینان اهل کتاب و آنانی که به‌واسطه قرارداد و پرداخت جزیه در جامعه دینی زیست می‌کنند می‌باشند: «وَ أَمَّا حَقُّ أَهْلِ الدِّمَّةِ فَالْحُكْمُ فِيهِمْ أَنْ تَقْبَلَ مِنْهُمْ مَا قَبِلَ اللَّهُ وَ تَفِي بِمَا جَعَلَ اللَّهُ لَهُمْ مِنْ ذِمَّتِهِ وَ عَهْدِهِ. حکم در مورد آن‌ها این است که آنچه خدا پذیرفته است، از آن‌ها بپذیری و آن ذمه و عهده‌ی که خدا برای آن‌ها مقرر داشته به آن وفادار باشی» (رساله، فقره ۵۱؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۷۲). در قرآن کریم

هم به احکام اهل ذمه توجه کرد. قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يَحْرَمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ. با کسانی از اهل کتاب که به خدا و روز بازپسین ایمان نمی‌آورند و آنچه را خدا و فرستاده‌اش حرام گردانیده‌اند حرام نمی‌دارند و متدین به دین حق نمی‌گردند کارزار کنید تا با [کمال] خواری به دست خود جزیه دهند (توبه، ۲۹).

در نظام گفتمان دینی، داورها بر پایه دین بوده و تنظیم همکنشی‌ها و روابط اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اخلاقی با آهنگ دین توزین می‌گردد. تکنون معنا در این نظام گفتمانی بر پایه نظام نشانه شناختی زبان مبتنی بر الگوی دین اسلام است. بر این اساس ارتباط دال و مدلول، هویت و ارزش خود را در ارتباط با دیگر مؤلفه‌ها و در چارچوب یک نظام قواعد می‌باشد. با این توضیح که جامعه اسلامی در ابتدا جامعه ایدئولوژیک بر مبنای باور به اسلام و آموزه‌های آن بود. تقسیم‌بندی جامعه به دارالاسلام و دارالکفر (جامعه دینی و غیردینی) و زیست اقلیت‌های دینی (یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان) بر پایه قراردادی که ملزم به پرداخت جزیه و شرایطی هستند در جامعه دینی اسلامی به آنان اهل ذمه می‌گفتند (حرعاملی، بی‌تا، ج ۱۱، باب ۴۹) که شهروندی آنان مطلق و بی‌قیدوشرط نبود بلکه تابع شرایط و رعایت مقررات خاصی بود (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). با توجه به هسته مرکزی گفتمان در جامعه اسلامی که باورمندی به دین اسلام است عناصر زبان، نژاد و رنگ پوست، اقامت، پیشینه تاریخی و سایر شاخصه‌ها به‌عنوان شاخص جامعه اسلامی به شمار نمی‌رود (حجرات، ۱۰، ۱۳، ۴۶، ۴۹). حقوق شهروندان مبتنی بر اختیار و عقیده افراد به قبول اسلام است. کاربست واژه امت در متون دین اسلام بر این اساس بود (بقره، ۱۳۴، ۱۴۳، آل عمران، ۱۰۴، ۱۱۰، نهج‌البلاغه، خطبه، ۱۲۷). ورود به دارالاسلام بر پایه باورمندی به خدا و رسول (ص) بهره‌مند از قواعد دینی اسلامی در گستره اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاست می‌باشد. حقوق اقلیت‌ها (اهل ذمه) تابع شرایط خاص و معاهده دوجانبه و به شیوه قراردادی ویژه است (همان، خطبه، ۲۷). همه افراد جامعه در برابر قانون همسان‌اند «فَلْيَكُنْ أَمْرُ النَّاسِ عِنْدَكَ فِي الْحَقِّ سَوَاءً»، پس باید کار مردم در حقی که دارند، در نزد تو یکسان

باشد» (همان، نامه، ۵۹، ۷۰). در این نگره اموال افراد در جامعه محترم است «وَأَلَّا تَمَسُّنَّ مَالَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ مُصَلًّا وَلَا مَعَاهِدًا، دست به مال فردی هیچ‌کس دراز نکنید چه مسلمان و نمازگزار باشد و چه غیرمسلمان و در عهد و پیمان مسلمانان» (همان، نامه، ۵).

۶. حقوق شهروندی در گفتمان لیبرالیسم

هویت و ارزش مفهومی حقوق شهروندی در گفتمان لیبرالیسم مبتنی بر مبانی نظام قواعدی این نظام است. مفهوم شهروندی در این نظام بر پایه ایدئولوگ دین یا مذهب نبوده بلکه بر پایه مفاد مصرح در قوانین مدنی کشورها و جوامع مختلف است و همکنشی و پیوند مردم به واسطه همان قوانین صورت‌بندی گشته است. بر این اساس این گفتمان با گسست عناصر سنت پیشینی، جهان‌گری نوین را طراحی و عناصر نوینی را مفصل‌بندی و جایگزین آن نظام پیشینی ساخت. از مؤلفه‌های لیبرالیسم در حقوق شهروندی انسان‌محوری، مردم‌سالاری، فردگرایی و رواداری است. برای دریافت مفهوم انسان‌محوری نیاز به شناخت انسان‌شناسی^۱ در دنیای پسا‌سنت است. هرچند انسان در آموزه‌های دینی اسلام، پس از خدا، محوری‌ترین مسئله بوده (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۹۲) ولی در گفتمان لیبرالیسم نوع ویژه از انسان‌شناسی، نظم و ساختاری برای درک جهان و جهان‌محوری مطرح شد. در این نگره انسان محوراب زنه^۲، آدمی بر فراز هستی جای گرفت و منبع همه معانی و ارزش‌ها شد. عقلانیت خاص این گفتمان سبک زیستی متفاوتی از سنت ارائه کرد. در گستره اجتماعی و سیاسی اندیشه دموکراسی^۳ را پیشنهاد کرد. دریافت معنای اصطلاحی این مفهوم همبسته به ریشه‌های آن است که بر آزادی فردی با مبانی ایدئولوژی لیبرالیسم و نظامی سیاسی که به ترویج و تقویت مشارکت، رقابت

۱. انسان‌شناسی/ Anthropology دانش مطالعه عمومی انسان که در اوایل قرن بیستم به‌عنوان شاخه علمی با موضوع انسان تکون یافت (دوروتیه، ۱۳۸۲: ۲۸-۲۹). این دانش به هستی‌شناسی انسان در گستره پیدایی، ساحات وجودی، فردی و اجتماعی، تحول، هدف از آفرینش، سرشت و سرنوشت، معرفت‌شناسی و سایر امور در پیوند با انسان پرداخته است (فرمینی، ۱۳۸۹: ۲۷).

و آزادی تکیه دارد (اونیل، ۱۳۹۱: ۱۸۷). بر این اساس مردم‌سالاری به شیوه‌ای از زیست اجتماعی اشاره دارد که در آن هر فردی حق پیدا می‌کند از جهت مشارکت آزادانه در فعالیت‌های اجتماعی از فرصت‌های مساوی برخوردار باشد (بیرو، ۱۳۸۰: ۴۱۴). مفهوم دموکراسی ترکیبی از اصل‌های، حاکمیت مردم، برابری سیاسی، آزادی سیاسی، نظارت همگانی و اصالت قانون است و تمامی نظریات دموکراسی‌ها بر این اصول تأکید دارند (بشیریه، ۱۳۸۱: ۴۴-۴۲؛ اونیل، ۱۳۹۱: ۱۸۷؛ کوهن، ۱۳۷۳: ۱۰۱). بودگی و وجود دموکراسی در جامعه مستلزم رعایت اصول کلی، نظارت همگانی بر تصمیم‌گیری جمعی و داشتن حق برابر در اجرای این نظارت است (بیتام و بویل، ۱۳۷۹: ۱۷).

شاخصه‌های سنجش میزان دموکراتیک بودن نظام‌های سیاسی جهت نمایاندن عینی درجه تحقق اصول کلی آن، برگزاری انتخابات دوره‌ای و منظم، فقدان مناصب و مقامات غیر منتخب، آزادی احزاب و گروه‌های سیاسی، آزادی بیان، رسانه‌ها و مطبوعات و وجود فرصت‌های سیاسی برابر برای همه شهروندان است (بشیریه، ۱۳۸۱: ۱۶۴-۱۵۰؛ راش، ۱۳۸۸: ۹۳-۸۸؛ اونیل، ۱۳۹۱: ۱۸۶ و ۲۱۵). فردگرایی^۱ یا اصالت فرد، نگرشی که فرد در مرکز آن قرار دارد و بر استقلال، مسئولیت‌های فردی، علائق، اهداف، نیازها و منافع افراد نسبت به جمع تأکید می‌کند (آیزنک، ۱۳۸۷: ۶۹؛ فرانزوی، ۱۳۸۱: ۲۲). روابط افراد هم تابع دادوستدها و قراردادهای اجتماعی بوده و حقوق و خواسته‌های فرد نیز از جهت اخلاقی مقدم بر حقوق و خواسته‌های جامعه است (گولد، ۱۳۷۲: ۲۶۰؛ آربلاستر، ۱۳۷۷: ۱۹).

رواداری^۲ از دیگر مؤلفه‌های گفتمان لیبرالیسم است. این مفهوم در معنای نوین غربی، بیشتر در ویژگی روش سیاسی حکومت است، حال آنکه در گفتمان دینی بیشتر در شیوه‌های اخلاقی و فقهی است (داوری، ۱۳۷۶: ۴). بر این اساس این مفهوم در جامعه به رفتارها از روی آگاهی، اقتدار و با سعه‌صدر، به عقاید، روش‌ها،

1. individualism

۲. Tolerance/ به معنای تحمل کردن، اجازه دادن، مدارا کردن، فروگذار نمودن و کوتاه آمدن با گذشت

و بزرگواری و نوعی فرادستی است (حنایی کاشانی، ۱۳۷۶: ۶۱)

منش‌ها و جریانات سیاسی مخالف، امکان ظهور داده و تکثر، تنوع عقاید و افکار هم پذیرفته می‌شود که با بی‌تفاوتی متفاوت است (بشریه، ۱۳۷۴: ۶۳). این شیوه رفتاری برای حل تعارض‌های افراد در زیست اجتماعی و سیاسی و برای تقویت پیوند و ارتباط آدمیان و مهار فشارها و تنش‌ها در جامعه است (گرنستن، ۱۳۷۶: ۴۲)؛ بنابراین گفته‌ها، در گفتمان دینی کاریست این مفهوم با ترویج پذیرش چندآوایی بر پایه درون‌مایه و هسته مرکزی این گفتمان یعنی توحید، برای فراخوانی مردم به انجام تکالیف دینی است؛ حال آنکه در گفتمان لیبرالیسم با توسعه مفهومی آن، فراتر از امر درون دینی مسیحی به کار رفت و در پی موجه‌سازی ناهمسانی‌های باورهای دینی و اخلاقی با معیار عقلانی و همزیستی مسالمت‌آمیز در عرصه اجتماعی است.

در ادامه باید افزود که گفتمان لیبرال در پی نفی حقایق دینی نیست بلکه ارزش‌های دینی در گستره اخلاق، حقوق و مانند آن را در تعیین مرزهای اخلاقی، حقوقی و مانند آن جدا می‌کند. در این گسست حقوق و وظایف شهروندی مؤلفه دین نبوده و عناصر انعقاد پیمان ذمه فاقد معنا شد. هرچند به لحاظ دینی به اقلیت مذهبی به شمار می‌روند ولی اقلیت شهروندی محسوب نمی‌گردند و از تمامی مزایای شهروندی در گستره اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برخوردارند.

۷. مؤلفه‌های معرفتی و کارکردی مرتبط با شهروندی در اندیشه دینی

انسان‌شناسی در گفتمان دین اسلام مبتنی بر آفرینش انسان با بهره‌مندی از سرشت دوگانه جسم و روح (سجده، ۷، ص، ۷۲؛ همان، خطبه، ۱، ۱۸۴، ۱۹۳، حکمت، ۱۳۹) و اصالت بخشی روح استوار است. «حُدُوا مِنْ أَجْسَادِكُمْ فَجُودُوا بِهَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ، جسم و تن خود بگیرید و بر روحتان ببخشید» (خطبه، ۱۸۲). در نگره دینی افزون بر تقدیر الهی، آدمی در کنش‌های زندگی دارای اختیار بوده (رعد، ۱۱، انفال، ۵۳؛ حکمت، ۷۵) و با برخورداری از آن، در معرض آزمون الهی قرار گرفته (انبیاء، ۳۵، کهف، ۷؛ خطبه، ۱۴۳، ۸۷، حکمت، ۹۰، ۷۵) و این امر نقش مهمی در سرنوشت او ایفا می‌کند (حکمت، ۷۵). در گستره معرفت‌شناسی، متون دینی آدمی را به شناخت خود و جایگاه واقعی خود را در نظام آفرینش فرامی‌خوانند (خطبه، ۱۰۲). بر این اساس با بیان منابع شناخت، کارکرد آن را برای

بازشناسی حق و باطل دانسته شد. «و مَعْرِفَةً يَفْرُقُ بِهَا بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ» (خطبه، ۱). در این ساختار، آزادی فلسفی، اختیار عمل و صاحب اراده بودن در کنشگری فردی و اجتماعی تعیین یافت (حکمت، ۷۵). در این جهت کنش‌های مؤمنان عامل صعودی معنوی انسان است (حکمت، ۳۱).

در اندیشه دینی فرد از اصالت برخوردار بوده اما با نگره فردگرایان انسان‌محور همسان نیست. فردیت در این اندیشه در گستره کرامت فردی، حیطة شخصی و حقوق اساسی افراد در زیست اجتماعی و در پیوند با اخلاص و یگانه‌پرستی است. «وَ فَضَّلَ حُرْمَةَ الْمُسْلِمِ عَلَى الْحَرَمِ كُلِّهَا وَ شَدَّ بِالْأَخْلَاصِ وَ التَّوْحِيدِ حُقُوقَ الْمُسْلِمِينَ فِي مَعَاقِدِهَا، حرمت مسلمان را از هر حرمتی برتری داشته و حقوق مسلمانان را به اخلاص و یکتاپرستی پیوند داد» (نهج‌البلاغه، خطبه، ۱۶۶، نامه، ۶۹). در این جهت کارکرد مؤلفه کرامت فردی تقوای الهی است (حجرات، ۱۳). مسلمانان با وفاداری به قراردادهای اجتماعی که مبتنی بر گزاره‌های دینی و عناصر بازگفته است در زیست اجتماعی حقوق خود را شناخته و به شهروندان آسیب نمی‌رساند (اعراف، ۱۵۷؛ حجرات، ۱۰؛ همان، خطبه، ۴۱، ۱۶۶، نامه، ۵۳، ۷۴). رد در اندیشه امام (ع) با توجه به مبانی ارزشی، انسانی و فطری در رابطه با محیط طبیعی، اجتماعی و فرهنگی متعهد، مکلف و مسئول کارکردهای اجتماعی هستند (خطبه، ۳، ۲۷، نامه، ۴۷، حکمت، ۹۷، ۲۹۶، ۳۶۴، ۳۶۶). در نگره دینی شهروندان به‌عنوان اجزای جامعه دارای احترام‌اند و کارگزاران حکومتی باید نسبت به آنان فروتنی و شأن آن‌ها را ارج نهند تا مردم به آنان مشتاق گردند (همان، نامه، ۲۷، ۴۶، ۵۰، ۵۳؛ حکمت، ۹).

حقوق اجتماعی افراد در نسبت با نهاد سیاست (همان، خطبه، ۲۰۷) تأمین عدالت همگان (حدید، ۲۴؛ همان، حکمت، ۴۲۹)، پرهیز از آبروریزی (خطبه، ۶۹، ۱۷۶؛ حکمت، ۱۵۷)، احترام متقابل نهاد قدرت به افراد و افراد به نهاد قدرت (خطبه، ۸، ۶۷، ۱۶۶؛ ۵۳)، بازداشتن از خواسته‌های مشروع (نامه، ۵۱)، توجه به وضع معیشتی و رفاه افراد که بی‌توجهی به آن و فقر از مرگ بدتر دانسته شد (حکمت، ۱۵۴، ۳۸۱). در این جهت توییح کارگزاران حکومتی به دلیل بی‌اعتنایی به توانایی مالی شهروندان و افراد جامعه (خطبه، ۲۰۰، نامه، ۴۵) و نابرابری افراد

در بهره‌مندی از امکانات اجتماعی، تبعیض در تقسیم بیت‌المال، امتیازبخشی، رانت دهی سیاسی و اقتصادی به نزدیکان و بستگان (خطبه، ۲۲۳ و نامه، ۳۱، ۴۱، ۴۳، ۷۱) نمایانگر شیوه نگرشی امام (ع) به حقوق اجتماعی افراد در زیست اجتماعی است.

بنا بر آنچه گفته شد در گفتمان دینی ارتباط با خدا و ایمان به‌عنوان مهم‌ترین رکن وجودی انسان، ساختارها و کنش مؤمنان را در قالب انجام اعمال عبادی و تکلیفی معین می‌کند. پرداختن به نهاد سیاست و روی‌آوری به سنت‌های پیشوایان امت اسلام در اصلاح امور مردم، رعایت حقوق دیگران، فَأَخْبِبْ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ أَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا؛ پس آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی برای دیگران نپسند (نامه، ۳۱)، خوش‌رفتاری با عموم مردم و سایر گزاره‌هایی که بنیان اجتماعی را تقویت می‌کند، به‌عنوان کارکرد نهاد قدرت در نسبت به شهروندان است (نامه، ۵۳، ۳۶، ۳۳، ۲۶). فایده ارتباط با دیگران و هم‌کنشی‌ها اجتماعی، عامل تقویت روحیه جمع‌گرایی و صعود به بالاترین مقامات انسانی می‌گردد (خطبه، ۱۲۷).

نتیجه‌گیری

۱- ماهیت مباحث حقوق شهروندی در نسبت روی‌آوری مردم به نهاد قدرت در رساله حقوق امام سجاد (ع) که با نوعی رواداری ویژه همراه است؛ با توجه به روند تاریخی تکون متن، در شرایط نابسامان استبداد سیاسی با فشار، خفقان و اختناق بود که در این صورت به نظر می‌رسد سویه صدور تقیه‌ای آن تقویت گردد. بر این اساس هم سنجی روایت‌ها یا ارجاع گزاره‌های رساله حقوق در نسبت با گزاره‌ای صحیفه سجادیه یا دیگر متون اسلام با عنایت به محتوای کلی دین اسلام ضروری است.

۲- مفهوم شهروندی از مفاهیم نوین در دوران پسا‌سنت است که با مفاهیم رعیت یا قبیلگی و نسبت خونی در دوران سنت از جهت معناداری و کارکردی متفاوت است. در این جهت سازوکار گفتمان‌ها در ارائه قواعد حقوق و اخلاقی متناسب با این مفاهیم ناهمسان است.

۳-گفتمان حاکم بر رساله حقوق امام سجاد (ع)، گفتمان دینی با محوریت توحید بوده که نوع انسان‌شناسی آن با روایتگری خداوند می‌باشد. در این گفتمان ارتباط با خدا به صورت نظری و عملی در قالب کنش مؤمنانه با انجام اعمال عبادی و تکلیفی بیان شد که با گفتمان لیبرالیسم با روایت‌گری انسان و ارائه مؤلفه در پیوند با انسان‌شناسی نوین متفاوت است. در این جهت حقوق به شیوه زیست اجتماعی در قالب شهروندی به دنیا‌پساست اشاره دارد که ناشی از توافق جمعی است.

۴-راه‌حل سامان بخشی تزام و تعارض منافع در دو گفتمان تنها در ارائه موضوع قواعد مشترک است؛ اما محتوای قواعد و اهداف آن‌ها متفاوت می‌باشد.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، (۱۳۷۳). ترجمه عبدالمحمد آیتی.
- ۱. آریلاستر، آنتونی، (۱۳۷۷). لیبرالیسم غرب؛ ظهور و سقوط. ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- ۲. آقاگلزاده، فردوس (۱۳۸۶). تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات. ادب پژوهی. ش ۱، ۱۷-۲۷.
- ۳. آقایی، بهمن (۱۳۷۹)، فرهنگ حقوقی بهمن. تهران. کتابخانه گنج دانش.
- ۴. آشوری، داریوش (۱۳۷۳). دانشنامه سیاسی. ج ۳. تهران. مروارید.
- ۵. آفنداک، خلی (۱۳۸۵). حقوق شهروندی و قضایی: مجموعه مقالات حقوق شهروندی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماکو.
- ۶. آیزنک، مایکل (۱۳۸۷). مبانی شناخت انسان. ترجمه ب. کوشا. قم. موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
- ۷. ابراهیمی، طیبه و سمیعی، لیلا (۱۳۸۹) حقوق شهروندی اقلیت‌های دینی در قرآن و رساله حقوق امام سجاد (ع). پژوهش در آموزش زبان و ادبیات فارسی. دوره ۵، ش ۱۴، ۶۸-۸۶.
- ۸. امام سجاد (ع) (۱۳۸۶). رساله حقوق. ترجمه و شرح علی محمد حیدری نراقی، قم: انتشارات مهدی نراقی.
- ۹. امام سجاد (۱۳۸۷). صحیفه سجادیه. ترجمه سید صدرالدین صدر بلاغی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۰. انیس، ابراهیم و دیگران (۱۳۷۲). المعجم الوسیط. تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). الامالی. ج ۶، تهران. کتابچی.
- ۱۲. ابن شعبه حرّانی (۱۴۱۴ ق). تحف العقول. تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
- ۱۳. اونیل، پاتریک (۱۳۹۱). مبانی سیاست تطبیقی (نظام‌های سیاسی تطبیقی). ترجمه سعید میرترابی. تهران. نشر قومس.
- ۱۴. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۱). خدا و انسان در قرآن. ترجمه احمد آرام. تهران. شرکت سهامی انتشار.
- ۱۵. بشیریه، حسین (۱۳۷۴). ده گفتار در فلسفه و جامعه‌شناسی سیاسی. تهران. مؤسسه نشر علوم نوین.
- ۱۶. بشیریه، حسین (۱۳۸۱). درس‌های دموکراسی برای همه، تهران. انتشارات نگاه معاصر.
- ۱۷. بیتام، دیوید و کوین بویل (۱۳۷۹). دموکراسی چیست؟ ترجمه شهرام نقش تبریزی. تهران. انتشارات ققنوس.

۱۸. بیرو، آلن (۱۳۸۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
۱۹. پیشوایی، مهدی (۱۳۸۵). سیره پیشوایان، نگرشی بر زندگانی اجتماعی. سیاسی و فرهنگی امامان معصوم (ع). ج ۲۰، قم. نشر توحید.
۲۰. ثابت سعیدی، ارسلان (۱۳۸۸). کلیات حقوق. تهران. پیام نور.
۲۱. حاجی پور، رضا (۱۳۸۹). آموزش شهروندی (آنچه شهروندان باید بدانند). تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
۲۲. حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا). وسایل الشیعه. بیروت. دار احیاء التراث العربی.
۲۳. حنایی کاشانی، محمدسعید (۱۳۷۶). نامه فرهنگ. ش ۲۸.
۲۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران. کتابخانه گنج دانش.
۲۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۲). ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش.
۲۶. داوری، رضا (۱۳۷۶). تساهل و تسامح. نامه فرهنگ. ش ۲۸.
۲۷. دروتیه، ژان فرانسوا (۱۳۸۲). علوم انسانی گستره شناخت‌ها. ترجمه مرتضی کتبی و دیگران. تهران: نشر نی.
۲۸. راش، مایکل (۱۳۷۷). جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
۲۹. صالحی، اکبر؛ محمدی پویا، فرامرز و ترکاشوند، سینا (۱۳۸۹). ارائه الگویی برای تربیت شهروند تراز جامعه اسلامی بر اساس رهیافت‌هایی از رساله الحقوق امام سجاد، تربیت اسلامی، دوره ۱۴، ش ۳۰، ۱۰۱-۱۵۴.
۳۰. صدوق، محمدبن علی (۱۴۰۰ ق). الامالی. بیروت. اعلمی.
۳۱. صدوق، محمدبن علی (۱۳۶۲). الخصال. قم. انتشارات اسلامی.
۳۲. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۳. فرمپینی فراهانی، محسن (۱۳۸۹). فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، تهران. شباهنگ.
۳۴. فرانزوی، استفن ال (۱۳۸۱). روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه مهرداد فیروزبخت، منصور قنادان، تهران: رسا.
۳۵. قاسم پور خوشرودی، عرفانه و صفار حیدری، حجت (۱۳۹۴). مطالعه وضعیت و موانع توجه به مؤلفه‌های تربیت شهروند اسلامی در دانشگاه (مطالعه موردی دانشگاه مازندران) (بر اساس نهج البلاغه). فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ش ۲، ۲۹۷-۲۷۳.
۳۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). فلسفه حقوق، تعریف و ماهیت حقوق. تهران. شرکت سهامی انتشار.
۳۷. کوهن، کارل (۱۳۷۳). دموکراسی، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران. انتشارات خوارزمی.

۳۸. گرنستن، موریس (۱۳۷۶)، تساهل و تسامح، نامه فرهنگ: ش ۲۸.
۳۹. گولد، جولیوس، ویلیام ال (۱۳۷۲). فرهنگ علوم اجتماعی، گروه مترجمان. تهران. مازیار.
۴۰. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۰)، بحارالانوار، تهران: اسلامیه.
۴۱. مسعودی، علی ابن الحسین (۱۳۷۳). اثبات الوصیه لامام علی بن ابی طالب. نجف. المطبع الحیدریه، چاپ چهارم.
۴۲. مصباح، محمدتقی (۱۳۸۳). حقوق و سیاست در قرآن. قم. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴۳. مصباح، محمدتقی (۱۳۸۶). نظریه حقوقی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴۴. نوابخش، مهرداد (۱۳۸۵). بررسی مفهوم شهر و شهروندی از دیدگاه جامعه‌شناسی. مجله جامعه‌شناسی، شماره ۵، ۳۰-۱۱.
۴۵. ون دایک، تئون (۱۳۸۳). مطالعاتی در تحلیل گفتمان از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی. ترجمه پیروز ایزدی و همکاران، تهران: مرکز مطالعات تحقیقات رسانه‌ها.
۴۶. یورگنسن، ماریان و فیلیپس لوئیز (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
۴۷. یزدانی، فاطمه، شریفی، اصغر و ایمانی، محمدتقی (۱۳۹۷). ارائه الگوی برای تربیت شهروند حرفه‌ای در آموزش و پرورش ابتدایی کشور. رهبری و مدیریت آموزشی. دوره ۱۲، ش ۲، ۲۴۱-۲۵۵.